

عنوان مقاله:

جایگاه ادبیات نمایشی در آموزش و پرورش

محل انتشار:

همایش ملی رویکردهای نوین آموزشی و پژوهشی در تعلیم و تربیت (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 9

نویسنده:

عبدالله گردی تختی - کارشناس مسئول امور مالی دانشگاه فرهنگیان هرمزگان، کارشناسی ارشد ادبیات فارسی

خلاصه مقاله:

بدیهی است پیدایش نوآوری و نواندیشی در عرصه ادبیات داستانی بنا به مناسبات علّی و قوام یافته ای چون ظهور ذهن های نو، تجربه اندوزی از بطن زندگی، دریافت اصولی از ساخت هستی، ژرف اندیشی، گذشت زمان و ستجش عقلانی بدون بغض و غرض بستگی دارد؛ و به منظور راه اندازی یک جریان ادبی بدیع و تثبیت آن، نمی توان تنها به ظهور نواوغ و شخصیت های نواندیش اکتفا کرد. چه بسارند افراد ناپخته، ناتوان و کم بضاعتی که برای کسب شهرت، مقام و ثروت، و به منظور پنهان کردن ناتوانیهای خود، به ناگاه به کاری نو دست می زنند و گمان می کنند که یک شبه ره صدساله طی می کنند، و با اصطلاحا طرحی نو در انداختن، به چهره ای ماندگار مبدل می گردند. اما از آنجا که این افراد از جهان بینی نابی برخوردار نیستند و از بهره بری از شیوه ها و تکنیکهای داستان نویسی عاجزند، به آنی، نامشان از صفحات ادبیات محو می گردد. البته شکی نیست که اصطلاح نو و یا مدرن، همواره در تمامی ادوار تاریخی و زمانهای مختلف مطرح بوده و به کار رفته است. درواقع، نبودن و نوآوری، لازمه حیات ادبیات، خاصه ادبیات داستانی به حساب می آید؛ و در تمامی مقاطع و دوره های مختلف، نویسندگان و ادیبان و شاعران بسیاری ظهور کرده اند که در زمان خود حرف نو می زده اند و در عرصه ادبیات نوآوری کرده اند. آن چنان که سعدی، حافظ، مولوی، ابوالفضل بیهقی، نیما و ... در زمان خود، نواندیش بوده اند. از این رو می توان مدعی بود که ادبیات نو یا مدرن، در تمامی دورانه ها وجود داشته است، و مختص به دوره ای خاص نیست.

کلمات کلیدی:

ادبیات نمایشی، نو اندیش، مدرن، آموزش و پرورش

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/768376>

